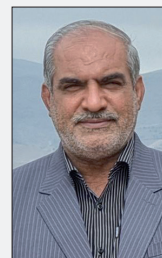




عطر خوش حریم رضوی

● ملک محمد علیزاده



● نماینده روزنامه در استان خراسان شمالی

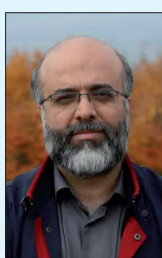
۳۵ سال پیش در صبحگاه ۲۸ آذر سال ۱۳۶۶ مردم استان خراسان بزرگ به ویژه مشهد مقدس شاهد یک رویداد بزرگ فرهنگی به ویژه رضوی بودند. در این صبحگاه پاییزی نخستین نسخه روزنامه قدس از آستان مقدس علی بن موسی الرضا (ع) با رویکرد ترویج فرهنگ غنی اسلام و انقلاب و فرهنگ رضوی منتشر و در کیوسک مطبوعات در معرض دید مردم مؤمن و انقلابی مشهد مقدس قرار گرفت و با استقبال گرم مردم مواجه شد؛ گویا خلأیی که مدت‌ها در جامعه در حوزه فرهنگ رضوی احساس می‌شد با انتشار نخستین نسخه روزنامه قدس پر شده است.

مخاطبان و مردم استان حقیقتاً احساس می‌کردند هر روز صبح با توزیع روزنامه عطر خوش حریم رضوی به مشام آنان می‌رسد کما اینکه هم اکنون با گذشت ۳۵ سال این احساس در سراسر کشور وجود دارد. اینجانب نیز از آنجایی که از سال ۶۵ به عنوان مسئول ستاد نماز بجنورد فعالیت می‌کردم و در دفتر امام جمعه آیت الله مهمان نواز (ره) حضور داشتم و بیشتر در حوزه فرهنگی فعالیت می‌کردم در یکی از روزهای پاییز سال ۶۷ شاهد حضور حجت الاسلام روحانی نژاد، مسئول وقت امور شهرستان‌های روزنامه در دفتر امام جمعه بودم که به نمایندگی از حاج آقا فیاضی، مدیر مسئول وقت روزنامه برای مشورت با آیت الله مهمان نواز برای معرفی فردی به عنوان خبرنگار و نماینده روزنامه در بجنورد تشریف آورده بود که در همان جلسه امام جمعه بجنورد حقیر را معرفی کرد و از همان زمان یعنی حدود ۳۴ سال است این افتخار معنوی شامل حال اینجانب بوده و به عنوان خادم فرهنگی مشغول انجام وظیفه در روزنامه هستم.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که این توفیق را نصیب بنده حقیر کرد و این توفیق را همواره بزرگ‌ترین افتخار معنوی خود و خانواده دانسته و آن را ذخیره‌ای برای آخرت می‌دانم و همواره در این سال‌ها از برکات معنوی این آستان مقدس در ابعاد مختلف زندگی و خانواده بهره‌مند بوده و هستم و یقین دارم این روزنامه و مؤسسه جایی مقدس است. امروز روزنامه قدس در واقع پرچم رسانه‌ای آستان مقدس رضوی است که توسعه و ترویج فرهنگ دینی و اسلامی و بصیرت‌افزایی و آگاهی‌بخشی نکته متمایز این روزنامه با سایر نشریات و رسانه‌هاست. همه می‌دانیم مطبوعات مسئولیت فرهنگ‌سازی در جامعه را دارند و همانند شمشیر دولبی هستند که هم می‌توانند فرهنگ اصیل اسلامی، انقلابی، پایداری، مقاومت و ارزش‌های متعالی را در جامعه نهادینه کنند و از سوی دیگر می‌توانند فرهنگ مبتدل غربی، وابستگی، حقارت، ناامیدی و ضد ارزش‌های اسلامی را ترویج کنند. به لطف و عنایت پروردگار و توجهات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) روزنامه قدس در طول این سال‌ها همواره در راستای توسعه فرهنگ ارزشمند اسلامی، انقلابی و رضوی گام برداشته و خود را به عنوان پلی محکم و مستحکم و قابل اطمینان بین مردم و مسئولان مطرح و همواره تزیین امید، نشاط و بالندگی را به جامعه به عنوان یک رویکرد اساسی و ارزشمند برای خود در اولویت قرار داده و همچنین حمایت از نظام و ولایت و اصول بنیادین جمهوری اسلامی را به عنوان راهبرد اساسی و تکلیفی در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است.

ما همه ایم

● حسین احمدی



● نماینده روزنامه در استان مازندران

من ۲۵ سالم است؛ ۲۵ سال کاری را عرض می‌کنم. سال‌هایی که پا به پای روزنامه بزرگ‌تر شدم، پخته‌تر و درد آشنا. اصلاً اهل نوشتن که باشی، می‌دانی سوزها دست از سرت برنخواهند داشت و همراه همیشگی‌ات می‌شوند حتی اگر از نوشتنشان فارغ شوی. بگذارید گل درشت‌ها را برایتان سوا کنم تا

کم و کیف زندگی یک خبرنگار دستتان بیاید. مثلاً من سال‌هاست «صدیقه بانو» و «آقا قاسم» هستم. آن‌ها فرشته‌های زمینی‌اند، پدر و مادر چهار معلول جویباری که ۳۸ سال است تیمارداری و پرستاری می‌کنند. «مادر خلبان شهید سرلشکر کشوری» ام که آخرین مصاحبه‌اش به روزنامه قدس رسید. مادری که در شهر کیاکلا معتمد مردم بود و تا پایان حیات در خانه‌اش اتاقی به نام احمد داشت. یک‌روزهایی «آقای موسوی» هستم، بنیان‌گذار کارخانه فیروز که خودش و اغلب کارگزارانش ناتوانی جسمی دارند. او که علناً نشان داد معلولیت، محدودیت نیست.

محیط بان مازندران هستم که پدر همسرش را به دست قانون سپرد و با این عمل وظیفه‌شناسانه، کاری کرد کارستان. کاری کرد که شکارچی دیگری اسلحه‌اش را پایین بگذارد.

من دیر زمانی «خانم موسوی» ام. مادر دست‌تنهای سه معلول کیاسری. شیرزنی که کایر مزارع هم‌ولایتی‌هاست تا فرزندانش غم نان نخورند.

گاهی آن زوج نیکوکاری هستم که با دایر کردن مدرسه خیریه، ایتم را زیر پوشش قرار دادند. زوجی که از خود گذشتند تا کودکان بازمانده از تحصیل، الفبا را بیاموزند.

من خانواده «جانباز شهید رمضانعلی صحرایی» ام که با آغاز جنگ از شمال کوچیدند تا در جنوب، کنار فرمانده باشند؛ آن‌ها که واقعیت فیلم «ویلیایی‌ها» را در اهواز زندگی کردند. رفتند در دل آتش، پشت خط مقدم تا مردان فقط سرباز نباشند. یا آن مستندسازی هستم که در پناهگاه حیات وحش سمسکنده ساری اتراق کرده بود و از مرال‌های در حصار تصویربرداری می‌کرد و زبان حیوانات را خوب بلد بود. او که برای حرفه‌اش زندگی شهرنشینی را فدا کرد تا حامی حیوانات باشد.

درواقع من پازلی هستم از تمامی این آدم‌ها. آدم‌هایی که در این دو دهه و اندی با تک‌تکشان آشنا شدم. نه من، که فکر می‌کنم قریب به اتفاق همکارانم. درواقع ما دیگر خودمان نیستیم. تکه تکه‌هایی هستیم از لبخند و اشک و خاطره و شور و شوق انسان‌هایی که در مسیر حرفه‌ای با آن‌ها زندگی کرده‌ایم.

این روایت‌ها را آوردم که بگویم روزنامه‌نگار که باشی دیگر خودت نیستی. صدیقه و قاسم هستی، مادر خلبان شهید، بانیان مدرسه نیکوکاری، خانواده شهید صحرایی، مادر سه معلول کیاسری، محیط بان قانونمند، کارخانه‌دار معلول و مستندساز حیات وحش.

ما همه ایم... من همه‌ام... ۲۵ سال است که همه هستیم.

**امروز روزنامه قدس
در واقع پرچم
رسانه‌ای استان
مقدس رضوی
است که توسعه
و ترویج فرهنگ
دینی و اسلامی و
بصیرت‌افزایی و
آگاهی‌بخشی نکته
تمایز این روزنامه
با سایر نشریات و
رسانه‌هاست**